



دکتر امیر هوشنگ امینی

گرانی یا ؟

گرانی و افزایش روبه تشدید بهای ریالی ونه واقعی کالا وخدمات اساسی موردنیاز روزمره، این روزها بیش از همه نقل همه محافل و مجالس است. رویدادی که بی توجه به واقعیت های حاکم بر فرآیند اقتصادی کشور، خواهی نخواهی بحث درباره آن، همراه با ارائه راهکارهای مردم فریب مخرب چگونگی رویارویی با آن به آموزه روز تبدیل شده است. رویدادی که با نهایت تاسف کارگزاران اداره اموراتصادی فرناس از کمترین دانش و تجربه دست یابی به توسعه ی اقتصادی، نه تنها بازیابی کاهش قدرت خرید ریال را که حاصل دست کم بیش از چهاردهه، نبود مدیریت وساده اندیشی اداره امور اقتصادی بوده است و با مصرف و اتلاف سرمایه های ملی و ایجاد استاندارد تصنعی زندگی بر آن سرپوش نهاده اند، یا حفظ و ادامه ناممکن استاندارد، یا سطح و الگوی تصنعی زندگی که به هیچ روی با متوسط توان سرانه اقتصادی کشور همخوانی ندارد نوید می دهند. واقعیتی که نشانه فرناس یا نا آگاه بودن آنان از ابتدائی ترین واقعیت های اقتصادی حاکم بر جامعه است که در بیش از چهاردهه سیردربی راهه ی اداره امور اقتصادی وبه بیان روشن تر کاهش تدریجی قدرت خرید هفت تومان به نزدیک ۳۰،۰۰۰ تومان را در پی داشته و به طور قطع آنچه را طی بیش از چهاردهه از بی راهه روی حاصل آمده، با هیچ نیروئی نمی توان یک شبه بازگرداند و با سرپوش تصنعی آن را ادامه یا حفظ کرد، هرچند ذهنیت شکل گرفته در نظام اقتصادی فسادبرانگیز فقرآفرین و سامان برانداز متمرکز و دستوری دولتی حاکم، آن را باور ندارد. و براین باور است که چنانچه سرمایه های مسدود شده آزاد شود هم قدرت خرید ریال اعاده خواهد شد، هم استاندارد تصنعی برقرار می توان حفظ و ادامه داد.

به نظر می رسد عاقلانه تر آن باشد که از ادامه سخنان عوام فریبانه دست کشیده ، با صداقت واقعیت را که حاصل بی راهه روی امور اقتصادی در چهارده گذشته است با مردم در میان نهاده یادآور شویم که چنانچه به فرض محال که می تواند محال هم نباشد تحریم ها لغو وکل سرمایه های مسدود شده کشور آزاد شود، بایستی بابت بخشی از بدهی دولت به بانک مرکزی پرداخت شود. اما چنانچه برای حفظ استاندارد تصنعی برقرارمورد استفاده قرارگیرد، بدون راه اندازی تولید که یک شبه میسر نخواهد بود، حاصلی جز تشدید تورم در پی نخواهد داشت. از این رو راهی جز واقعی

سازی قیمت ها وجود نخواهد داشت که در این صورت قیمت ها در قیاس با قیمت های کنونی دربرخی موارد به احتمال حتا به چندین برابرافزایش خواهد یافت و بدین سان استاندارد تصنعی روبه واقعی شدن خواهد نهاد، دراین صورت است که با واقعی شدن قیمت ها و برقراری اقتصاد رقابتی تولید کنندگان از توان سرمایه گذاری برخوردار خواهند شد و با رشد و توسعه تولید کاهش قدرت خرید پول ملی به تدریج رو به توقف خواهد نهاد و اقتصاد کشور درمسیر توسعه قرارخواهد گرفت.

روشن است که دراین صورت گروه های آسیب پذیر که بخشی از کارکنان یا حقوق بگیران بخش عمومی و خصوصی می باشند با واقعی شدن قیمت ها، حقوق بگیرانی که از قانوناً از پرداخت مالیات معافند، معلول یا از کار افتاده اند، ازادامه گذران زندگی باز خواهند ماند. حمایت از این گروه از جمله اصلی ترین وظایف دولت است که درگروه کاهش هزینه زندگی آنان بدون پرداخت یارانه نقدی یا هرنوع پرداخت فساد برانگیز بی اثر دیگر، م باشد و تنها براساس مکانیزم کاهش هزینه زندگی که بارها عنوان شده و اکنون برای جلوگیری از طولانی شدن کلام از تکرار آن در می گذریم، امکان پذیر خواهد شد.

پایان سخن، دستیابی به توصیه مورد اشاره درگروهی رهاسازی نظام اقتصادی حاکم و روی آور شدن به اقتصاد رقابتی بازار، و دورماندن کارگزاران اقتصادی سیاستگذار و ذهنیت شکل گرفته یا متأثر از اقتصاد حاکم از اداره امور اقتصادی کشور، اصلاح لایحه بودجه سالانه کل کشور به نحوی که اعتبارات زائد و حمل بر تولید مانند هزینه های ناشی از کارت بازرگانی و استاندارد ها و... حذف، و قوانینی که به زیان گروه های آسیب پذیر تغییر یافته مانند قانون موجر و مستاجر و امثالهم احیاء شود، و نه جز این.

* * * * *